

نگرش سیاسی دانشجویان کنشگر و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران)

علیرضا کریمی^۱

محمد بابائی^۲

پروانه احمدی‌راد^۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱

چکیده

بررسی نگرش سیاسی شهروندان به‌طور عام و دانشجویان به‌طور خاص از ضرورت‌هایی است که هر نظام سیاسی و دولت‌دوراندیشی باید به آن توجه کند. تداوم برنامه‌های هر دولت و حکومتی منوط به نگرش سیاسی شهروندان است. نگرش سیاسی ابعاد مختلفی دارد که براساس دیدگاه آلموند و وربا می‌توان آن را بخش مهمی از فرهنگ سیاسی قلمداد کرد. هدف اصلی این پژوهش سنجش نگرش سیاسی دانشجویان بر طیفی از نگرش سیاسی مثبت (امیدواری به حیات سیاسی-اجتماعی کشور) تا نگرش سیاسی منفی (ناامیدی از حیات سیاسی-اجتماعی کشور) و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن است. جمعیت آماری پژوهش تشکل‌های دانشجویی فعال در سطح دانشگاه‌های جامع شهر تهران است که از میان آن‌ها، دانشگاه‌های تهران، خوارزمی و آزاد واحد علوم و تحقیقات به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. به‌شیوه نمونه‌گیری کوکران از ۱۳۱۱ دانشجوی عضو تشکل‌های فعال دانشجویی ۳۸۱ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب، و از طریق پیمایش با ابزار پرسشنامه بررسی شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بیشتر دانشجویان یعنی حدود ۷۰ درصد در میانه طیف نگرش سیاسی قرار دارند. حدود ۲۰ درصد نیز دارای نگرش سیاسی مثبت، و تنها ۸ درصد از دانشجویان عضو تشکل‌های دانشجویی دارای نگرش سیاسی منفی هستند. عوامل اجتماعی مانند سرمایه اجتماعی، میزان دینداری و نوع تشکل‌های دانشجویی قدرت تبیین‌کنندگی بالاتری در مقایسه با مشخصات عمومی دانشجویان مانند سن، جنسیت، وضعیت تأهل و مقطع تحصیلی دارند. **واژه‌های کلیدی:** تشکل‌های دانشجویی، دانشجویان کنشگر، سرمایه اجتماعی، فرهنگ سیاسی، نگرش سیاسی.

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)، alireza.karimi@khu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، mohammadbabaee@khu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، parvane.ahmadirad1371@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

نگرش دامنه گسترده‌ای از مفاهیم را دربرمی‌گیرد و مانند یک چرخه در حال بازتولید است. یکی از انواع نگرش‌های فرد به موضوعات پیرامونی، نگرش سیاسی است. این نوع از نگرش به‌عنوان طرز فکر شکل‌دهنده به مواضع سیاسی تعریف می‌شود که در حد واسط بین آموزش و کنش سیاسی قرار دارد (چابکی، ۱۳۹۳: ۶۱). نگرش سیاسی افراد جامعه از موضوعاتی است که همواره مورد توجه دولت‌ها قرار داشته و هزینه‌های مختلفی برای تغییر یا حفظ و نگهداشت آن صورت گرفته است. نگرش سیاسی همه گروه‌های جامعه دارای اهمیت است، اما نگرش سیاسی دانشجویان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که دانشجویان هسته اصلی طبقه متوسط جدید هستند که خواست اصلی آن‌ها توسعه سیاسی است و تعداد آن‌ها نیز در سه دهه اخیر در ایران به دلیل توسعه نظام آموزش عالی گسترش یافته است (محمدی‌فر، مسعودنیا و مرادی، ۱۳۹۰: ۲۰۴). امروزه در ادبیات توسعه سیاسی و گذار به دموکراسی به‌ویژه ادبیات مربوط به جنبش‌های جدید، از دانشگاه و دانشجویان به‌عنوان قلب تپنده و پیش‌تاز تحولات سیاسی-اجتماعی یاد می‌شود (سردارنیا و یوسفی، ۱۳۹۵: ۶). دانشجویان به‌عنوان گروه تحصیل‌کرده و آگاه جامعه در بسیاری از اوقات مرجع نگرش سیاسی خانواده‌ها قرار می‌گیرند و نگرش سیاسی آن‌ها می‌تواند سبب تغییر در نگرش سیاسی خانواده و درنهایت تغییر نگرش سیاسی جامعه شود.

نگرش سیاسی موضوع مشخصی نیست که یک برداشت واحد از آن صورت گیرد. درواقع هنگامی که بحث از نگرش سیاسی دانشجویان است باید مشخص شود که چه برداشتی از این مفهوم شده است. یکی از برداشت‌های کمتر بررسی‌شده از نگرش سیاسی مربوط به طیفی از خوش‌بینی تا بدبینی درباره حیات سیاسی-اجتماعی کشور در آینده است. خوش‌بینی و بدبینی به این تغییرات میزان امیدواری دانشجویان به بهبود اوضاع سیاسی-اجتماعی کشور را نشان می‌دهد. نگرش سیاسی حامل این معنا برای دانشجویان است که آینده سیاسی-اجتماعی کشور متفاوت‌تر و مطلوب‌تر از وضعیت موجود است و انگیزه تغییرات مثبت و تلاش در این زمینه را برمی‌انگیزاند. درواقع نگرش سیاسی مثبت محرک اراده مشارکت اجتماعی-سیاسی و پیوستگی افراد به جامعه است. در مقابل نگرش سیاسی منفی به‌سمت یأس سیاسی میل می‌کند و از جمله عوامل مؤثر بر جدایی فرد از جامعه است (جهانگیری و محمدی، ۱۳۹۷: ۱۲۹).

سنجش نگرش سیاسی در قالب مواردی مانند گرایش به جریان‌های سیاسی (اصلاح‌طلب، اصول‌گرا و...) یا وضعیت نگرش سیاسی (شناختی، عاطفی و کنشی) یا جهت‌گیری به یک موضوع خاص مثلاً تحولات منطقه و مواردی از این قبیل به صورت‌های مختلف در پژوهش‌های داخلی که در بخش پیشینه پژوهش ذکر شده بررسی شده است؛ درحالی‌که سنجش این مفهوم در میان دانشجویان در قالب دیدگاه آن‌ها به تغییرات سیاسی-اجتماعی کشور کمتر مورد توجه بوده است. بر همین اساس، دو سؤال محوری پژوهش عبارت‌اند از: ۱. وضعیت نگرش سیاسی دانشجویان چگونه است؟ ۲. عوامل اجتماعی منتخب برمبنای چارچوب نظری چه رابطه‌ای با نگرش سیاسی دانشجویان دارد؟

چارچوب نظری

نگرش سیاسی را باید در قالب فرهنگ سیاسی مطالعه کرد. به عبارت دیگر، نگرش سیاسی افراد بازنمایی از فرهنگ سیاسی آن‌هاست. فرهنگ سیاسی مشخص‌کننده نگرش‌ها و ارزش‌های جامعه درمورد سیاست است (عظیمی و رسولی، ۱۳۸۹: ۲۲۴). نظریه‌های مربوط به فرهنگ سیاسی به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند. دسته اول را دیدگاه‌های نظم‌گرا و دسته دوم را دیدگاه‌های تضادگرا می‌نامند. دیدگاه نظم‌گرا بیشتر متأثر از دیدگاه‌های ماکس وبر و پارسونز است. اندیشمندان فرهنگ سیاسی با توجه به میزان تأثیرپذیری از وبر یا پارسونز در قالب دو رهیافت ساختی-کارکردی و ساختی-تفسیری قابل‌طبقه‌بندی هستند. یکی از نظریه‌های رهیافت ساختی-کارکردی نظریه «فرهنگ مدنی» است. آلموند و وربا از اندیشمندان اصلی نظریه فرهنگ مدنی هستند (پناهی و کردی، ۱۳۸۹: ۵). در کتاب فرهنگ مدنی، تعریف آلموند و وربا از فرهنگ سیاسی برآیند عقاید، باورها، احساسات و ارزش‌های افراد یک جامعه درباره موضوعات سیاسی است. از دیدگاه این دو اندیشمند، نگرش‌های سیاسی افراد بخشی از فرهنگ سیاسی آن‌هاست و بنابراین، نگرش‌های سیاسی را باید در قالب فرهنگ سیاسی مطالعه کرد (آلموند و وربا، ۱۹۶۳: ۱۳). آلموند ابتدا فرهنگ سیاسی را به معنای نگرش به سیاست تعریف کرد و در تدوین چارچوب نظری آن، به شدت از نظریه ساختاری-کارکردی پارسونز متأثر بود؛ با این تفاوت که نظریه پارسونز بر کل نظام اجتماعی و فرهنگی استوار بود، درحالی‌که آلموند با ایجاد تغییراتی در نظریه، آن را به نظام سیاسی محدود

کرد (مهرداد، ۱۳۷۳: ۵۹). طبقه‌بندی شناخته‌شده آلموند و وربا مبتنی بر سه نوع فرهنگ سیاسی یعنی فرهنگ سیاسی محدود، فرهنگ سیاسی تبعی و فرهنگ سیاسی مشارکتی است که در پژوهش‌ها و مطالعات مختلفی (برای مثال، عالم، ۱۳۷۳: ۱۱۴؛ عظیمی و رسولی، ۱۳۸۹: ۲۲۸؛ بدیع، ۱۳۷۶: ۵۳) در ایران بررسی شده است. در قالب این سه فرهنگ، آلموند و وربا معتقدند که عضویت در انجمن‌های داوطلبانه بر میزان توانایی ذهنی افراد تأثیرگذار است. توانایی ذهنی ابعاد مختلفی دارد که از مهم‌ترین آن‌ها باید به اعتقاد به تأثیرگذاری بر نهادهای سیاسی اشاره کرد. در این حالت، شخص از نظر ذهنی اعتقاد دارد که می‌تواند بر دولت و حکومت اثرگذار باشد. البته ممکن است این اعتقاد لزوماً با نتایج عملی و اثرگذاری عینی همراه نباشد، اما توانایی ذهنی سبب افزایش توانایی سیاسی افراد می‌شود. عضویت در انجمن‌های داوطلبانه که آلموند و وربا مطرح می‌کنند، مانند سایر بخش‌ها و دیدگاه‌های نظری آن‌ها متأثر از نظریه پارسونز است و دارای عناصر و مفاهیمی است که از آن‌ها می‌توان به‌عنوان ابزاری برای تحلیل فرهنگ سیاسی سود جست. این عناصر عبارت‌اند از: کنش و نظام‌های کنش، کنشگر، وضعیت کنش و جهت‌گیری کنشگر به‌سوی وضعیت (جهانگیری و بوستانی، ۱۳۸۰: ۱۷۶).

در این پژوهش، تمرکز بر جهت‌گیری کنشگر به‌سوی وضعیت است. از دیدگاه آلموند و وربا می‌توان جهت‌گیری کنشگر به‌سوی وضعیت را که پارسونز مطرح می‌کند به سه نوع جهت‌گیری تقسیم کرد که عبارت‌اند از: جهت‌گیری شناختی، جهت‌گیری احساسی و جهت‌گیری ارزشیابانه. جهت‌گیری شناختی به دانش و باور افراد درمورد نظام سیاسی، نقش‌ها، اشخاص و شیوه عمل آن‌ها اشاره دارد. جهت‌گیری احساسی مربوط به احساسات فرد درمورد نظام سیاسی، نقش‌ها، اشخاص و شیوه عمل است. جهت‌گیری ارزشیابانه در ارتباط با قضاوت‌ها و نظرهای افراد درمورد موضوعات سیاسی است که این موضوعات ترکیبی از معیارهای ارزشی است. در این پژوهش، با توجه به جمعیت آماری مورد مطالعه که دانشجویان عضو انجمن‌های داوطلبانه فعال در نهاد دانشگاه هستند، تمرکز بر جهت‌گیری ارزشیابانه است. نگرش‌های ارزشیابانه افراد فی‌البداهه و خلق‌الساعه نیست و از بدو تولد هم همراه فرد نیست، بلکه در فرایندی اجتماعی شکل می‌گیرد و منابع شکل‌گیری آن متفاوت و متعدد است. چنین نگرشی که در دیدگاه آلموند و وربا زیرمجموعه‌ای از فرهنگ سیاسی است، متأثر از

فرهنگ کلی جامعه و متأثر از تمامی پدیده‌های اجتماعی است که در یک جامعه خاص شکل می‌گیرد و از طریق فراگرد جامعه‌پذیری سیاسی و از کانال‌های مختلف منتقل می‌شود (راش، ۱۳۷۷: ۶۰). بدین ترتیب، طیف متعددی از عوامل اثرگذار بر فرهنگ سیاسی را باید در نظر گرفت که هر پژوهشی با توجه به مسئله پژوهش، جامعه مورد مطالعه، تخصص محقق و سایر ملاحظات، به بررسی رابطه تعدادی از این عوامل با فرهنگ سیاسی و نگرش سیاسی می‌پردازد. آلموند و وربا ضمن پذیرش تأثیر نظام سیاسی بر فرهنگ سیاسی به دنبال شناخت منابع اجتماعی بر فرهنگ سیاسی هستند و در این زمینه، عوامل متعددی را نام می‌برند که از آن جمله می‌توان به نقش جنسیت، میزان تحصیلات، نرخ سواد، مشارکت در نهادهای مدنی، مذهب، سن، قومیت، طبقات اجتماعی، محل و منطقه تولد و سکونت، اندازه شهر، محل کار، نوع شغل افراد، صنعتی شدن، نوسازی و ظهور رسانه‌های ارتباطی اشاره کرد (پناهی و کردی، ۱۳۸۹: ۵).

به نظر آلموند و وربا (۱۹۶۳) مشارکت در نهادهای غیرسیاسی از قبیل انجمن‌ها و تشکل‌های اجتماعی احتمالاً موجب می‌شود اعضا درباره مسائل سیاسی بیشتر بحث کنند که علاوه بر ایجاد انگیزش در افراد و گذاشتن منابع اطلاعاتی در دسترس آن‌ها می‌تواند به اعضای این گروه‌ها در زمینه فرهنگ سیاسی کمک کند و نگرش سیاسی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. نقش تشکل‌ها و شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری فرهنگ و نگرش سیاسی که مورد تأکید آلموند و وربا است توسط هانتینگتون نیز تأیید شده است (ربیعی، ۱۳۸۰: ۷۴). عضویت در گروه‌ها و تشکل‌های اجتماعی در یک معنای گسترده‌تر و ساختاری توسط فوکویاما و پاتنام تحت عنوان سرمایه اجتماعی و اثرگذاری آن بر فرهنگ سیاسی به بحث گذاشته می‌شود. به اعتقاد فوکویاما، احتمالاً حجم و تراکم بالایی از سرمایه اجتماعی به تشکیل جامعه مدنی فشرده خواهد انجامید که همگان آن را شرط لازم برای دموکراسی لیبرال مدرن فرض کرده‌اند (فوکویاما، ۱۳۸۹: ۱۷۸؛ محمدی‌فر، مسعودنیا و مرادی، ۱۳۹۰: ۲۱۵). به اعتقاد پاتنام (۲۰۰۰) سرمایه اجتماعی وسیله‌ای برای رسیدن به مشارکت سیاسی و توسعه سیاسی و اجتماعی است. آلموند و وربا اگرچه عوامل اثرگذار بر فرهنگ و نگرش سیاسی را طیف گسترده‌ای از عوامل می‌دانند، نتوانسته‌اند تأثیر برخی از عوامل مانند سرمایه فرهنگی و منابع کسب اخبار سیاسی را بر شکل‌گیری فرهنگ سیاسی جوامع تعیین کنند. رسانه‌ها به‌عنوان منابع کسب خبر، تنها درباره

سیاست خبر نمی‌دهند، بلکه تا اندازه زیادی تعیین می‌کنند که سیاست باید درباره چه باشد (جهانگیری و ابوترابی زارچی، ۱۳۹۱: ۹۹). در واقع به فرهنگ سیاسی جهت می‌دهند و از عوامل اصلی تعیین‌کننده نگرش‌های سیاسی هستند. گیدنز (۱۳۸۸) و مک‌لوهان (۱۳۷۷) از جمله افرادی هستند که بر نقش مهم رسانه‌ها به عنوان منبع کسب خبر در شکل‌گیری نگرش فکری افراد به طور عام و نگرش سیاسی به طور خاص تأکید دارند. از عوامل دیگری که در این فرایند دخالت دارد، سرمایه فرهنگی افراد است. بوردیو در کتاب تمایز (۱۳۹۷) اظهار می‌کند که سرمایه فرهنگی بر ویژگی سبک‌های زندگی گروه‌های متفاوت، ذائقه‌ها، شایستگی‌های فرهنگی، مشارکت فرهنگی و همچنین گرایش به فرهنگ سیاسی و اخلاق دلالت دارد. قدرت یا به تعبیری روابط قدرت در اندیشه بوردیو به نحو مؤثری با مفهوم سرمایه در ارتباط است. میزان این ارتباط به نحوی است که تقریباً می‌توان گفت بوردیو دو مفهوم قدرت و سرمایه را به صورت مترادف به کار گرفته است (دفلیپس، ۲۰۰۱: ۷۸۳). از آنجا که توانایی صورت‌بندی عقاید سیاسی به نحو نابرابری توزیع می‌شود، کسانی که از منابع فرهنگی بیشتری برخوردارند، در مقایسه با افرادی که منابع مذکور را ندارند، با احتمال بیشتری قادر به صورت‌بندی عقاید سیاسی هستند (مرتضویان و فتاحی، ۱۳۹۰: ۱۵۲). در واقع تفاوت در سرمایه فرهنگی افراد به تفاوت در صورت‌بندی عقاید سیاسی و در نهایت تفاوت در فرهنگ سیاسی و نگرش سیاسی افراد می‌انجامد.

پیشینه تحقیق

نگرش سیاسی دانشجویان مفهوم مرکزی پژوهش است. درباره این مفهوم پژوهش‌های زیادی صورت نگرفته است. بدین ترتیب، همان‌گونه که در بخش نظری پژوهش نیز گفته شد، دامنه مفهوم مرکزی را گسترش می‌دهیم و به بررسی پژوهش‌هایی می‌پردازیم که عنوان موضوعی آن‌ها نگرش سیاسی یا فرهنگ سیاسی باشد. همچنین تأکید بر پژوهش‌هایی است که جمعیت آماری آن‌ها دانشجویان است.

سراج‌زاده و جواهری (۱۳۸۲؛ ۱۳۹۴) و سراج‌زاده و کریمی (۱۳۹۸) به بررسی نگرش سیاسی دانشجویان و تغییرات آن پرداختند. جمعیت آماری پژوهش، دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تحت پوشش وزارت علوم در سراسر کشور است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نگرش

و فرهنگ سیاسی دانشجویان بیشتر میل به سمت فرهنگ مشارکتی دارد و نگرش سیاسی آن‌ها براساس متغیرهای مختلف مانند جنسیت، سن، منبع کسب خبر، دینداری دانشجویان و متغیرهای اجتماعی دیگر تغییر می‌کند. حمیدی هریس و راد (۱۳۹۶) به بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با روش پیمایش پرداختند. مطابق یافته‌ها، بین سرمایه فرهنگی و متغیرهای مشارکت سیاسی، آگاهی سیاسی، میزان مشارکت در تجمعات سیاسی، میزان سیاسی بودن گروه‌های مرجع، میزان مشارکت در انتخابات و سطح عضویت در انجمن‌ها و احزاب سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. سردارنیا و یوسفی (۱۳۹۵) تأثیر سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه شیراز بر فرهنگ سیاسی آن‌ها را در دو سطح سیستمی (نگرش‌ها و باورهای سیاسی) و فرایندی (میزان و نوع مشارکت سیاسی و اجتماعی) با روش پیمایش بررسی کردند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در حدود ۵۰ درصد از نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی دانشجویان را تبیین می‌کند. چابکی (۱۳۹۳) به بررسی رابطه تعامل با گروه‌های مرجع و تغییر نگرش سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی پرداخت. براساس نتایج، در هر سه بعد نگرش سیاسی (شناختی، عاطفی و کنشی) تفاوت‌های جنسیتی وجود دارد. یافته‌های پیمایش عباسی، کوهکن و آبسالان (۱۳۹۲) نشان می‌دهد در حدود ۴۳ درصد از تغییرات نگرش دانشجویان به جنبش‌های اسلامی منطقه از مسیر دو عامل منبع کسب خبر و گروه‌های مرجع اجتماعی تبیین‌پذیر است. از میان منابع کسب خبر به ترتیب تأثیر صداوسیما و شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی معنادار است. یافته‌های پژوهش محمدی‌فر، مسعودنیا و مرادی (۱۳۹۰) نشان می‌دهد بین میزان انسجام اجتماعی دانشجویان دانشگاه اصفهان و فرهنگ سیاسی محدود، مشارکتی و تبعی آن‌ها و همچنین میان متغیر امنیت اجتماعی و فرهنگ سیاسی محدود، تبعی و مشارکتی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد. عطارزاده، امام‌جمعه‌زاده و محمدی‌فر (۱۳۸۸) به این نتیجه رسیدند که رسانه‌ها در تغییر ایستارها و نگرش‌های سیاسی دانشجویان نقش اساسی دارند؛ تا جایی که موجب افزایش جهت‌گیری‌های شناختی و ارزشیابانه دانشجویان به نظام سیاسی شده است. همچنین نتایج این پژوهش دورشدن دانشجویان از فرهنگ سیاسی محدود و تا حدودی فرهنگ سیاسی تابع‌شده و گرایش دانشجویان به فرهنگ سیاسی مشارکتی را نشان می‌دهد. یافته‌های

پیمایش آذین و عزیزی (۱۳۹۰) در شهر بروجن نشان می‌دهد متغیرهایی مانند سرمایه اجتماعی، آگاهی سیاسی، رسانه ملی و طبقه اجتماعی با نگرش سیاسی-اجتماعی رابطه مثبت دارد، ولی سن، تأهل و استفاده از فضای مجازی رابطه معناداری با نگرش جوانان ندارد. رهبر قاضی و همکاران (۱۳۹۶) به مطالعه ارزش‌های فرهنگی و تأثیر آن بر نگرش اقتصادی و سیاسی شهروندان پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ارزش‌های فرهنگی در مقایسه با متغیرهای جمعیت‌شناختی قدرت تبیین‌کنندگی بیشتری دارند. جهانگیری و بوستانی (۱۳۸۰) عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی افراد بیست سال به بالای شهر شیراز را مطالعه کردند. مطابق نتایج، اغلب متغیرهای مستقل (تحصیلات، سن، جنس، وضعیت تأهل و...) با فرهنگ سیاسی افراد رابطه معنادار دارند و فرهنگ سیاسی آن‌ها یک فرهنگ سیاسی تابع است. یافته‌های پیمایش رهبرقاضی و همکاران (۱۳۹۵) نشان می‌دهد با تقسیم سرمایه اجتماعی به سه متغیر سرمایه اجتماعی شناختی، سرمایه اجتماعی ارتباطی و سرمایه اجتماعی ساختاری باید گفت همبستگی معناداری میان سرمایه اجتماعی شناختی و فرهنگ سیاسی مشارکتی شهروندان وجود دارد. این نوع از سرمایه اجتماعی موجب افزایش میزان فرهنگ سیاسی مشارکتی می‌شود.

از میان مطالعات و پژوهش‌های خارجی در این حوزه می‌توان به تحقیق نیوکام^۱ (۱۹۴۳) در کالج بنینگتون اشاره کرد. وی نگرش دانشجویان در سال‌های مختلف تحصیلی را با نگرش سیاسی والدین آن‌ها مقایسه کرد و مشاهده کرد که نگرش‌های آنان به والدینشان تغییرات قابل توجهی یافته است. این پژوهش حاکی از آن است که محیطی که شخص را احاطه کرده است، اثری تعیین‌کننده و قطعی بر شکل‌گیری نگرش‌های او دارد. گایموند^۲ (۱۹۹۹) با ساختاری شبیه به کار نیوکام، به بررسی نفوذ اجتماعی اطلاعاتی و نفوذ اجتماعی هنجاری بر نگرش دانشجویان پرداخت. براساس نتایج او، نگرش دانشجویان تغییر می‌کند؛ چرا که آنان در معرض هر دو عامل هنجاری و اطلاعاتی از سوی گروه‌های مختلف قرار می‌گیرند. برایان هستی^۳ (۲۰۰۷) با بررسی نگرش سیاسی براساس طیفی با دو سوی محافظه‌کاری و آزادی‌خواهی بر این باور است که سال‌های دانشجویی دوره‌ای تأثیرگذار است که در آن، نظام

1. Newcomb
2. Guimond
3. Hastie

فکری و اعتقادی جوانان در برابر تغییر، بسیار آسیب‌پذیر است؛ به‌نحوی که تغییرات نگرشی از یک سر طیف تا منتهی‌الیه آن را شامل می‌شود. دیوید لازر^۱ و همکاران (۲۰۰۸) با بررسی تعامل ساختاری شبکه‌های اجتماعی و تأثیرگذار بر نگرش سیاسی افراد نشان می‌دهند تعامل اجتماعی در میان افراد موجب تغییر در نگرش سیاسی آنان می‌شود.

فرضیه‌های پژوهش

بین سرمایه اجتماعی و نگرش سیاسی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد.
بین سرمایه فرهنگی و نگرش سیاسی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد.
بین دینداری و نگرش سیاسی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد.
نگرش سیاسی دانشجویان برحسب منبع کسب خبر تفاوت معنادار دارد.
نگرش سیاسی دانشجویان برحسب نوع تشکل دانشجویی تفاوت معنادار دارد.
بین نگرش سیاسی دانشجویان و مشخصات عمومی آن‌ها (سن، جنسیت، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی و وضعیت تأهل) رابطه معنادار وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق با توجه به فرضیه‌های پژوهش و گستردگی جامعه آماری از نوع کمی با تکنیک پیمایش است. روش گردآوری اطلاعات براساس پرسشنامه محقق‌ساخته است. نمونه‌گیری مرحله اول از دانشگاه‌های سطح شهر تهران صورت گرفت و ملاک انتخاب دانشگاه، جامع بودن آن بود؛ زیرا امکان مقایسه دانشجویان رشته‌های تحصیلی مختلف یعنی علوم پایه، علوم انسانی و فنی-مهندسی را امکان‌پذیر می‌سازد. از میان دانشگاه‌های جامع شهر تهران، سه دانشگاه تهران، خوارزمی (به‌عنوان دانشگاه‌های دولتی) و آزاد واحد علوم و تحقیقات انتخاب شدند. جمعیت آماری مورد مطالعه همه دانشجویان کنشگر در تشکل‌های انجمن دانشجویی در نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ در مقاطع مختلف تحصیلی در سه دانشگاه مذکور است. تعداد این دانشجویان در همه تشکل‌های دانشجویی مطابق با اطلاعات جمع‌آوری شده از هریک از تشکل‌ها در مجموع ۱۳۱۱

دانشجوی عضو تشکلهای دانشجویی شامل بسیج، شورای صنفی، کانونهای علمی-فرهنگی، انجمنهای مستقل (انجمن اسلامی، کرسیهای آزاداندیشی و...) و سایر انجمنهای فعال دانشگاهی است. برای تعیین حجم نمونه، با دراختیارداشتن فراوانی جامعه آماری، از فرمول کوکران استفاده شد. براساس این فرمول و با میزان خطای ۰/۰۵، حجم نمونه حدود ۳۰۰ دانشجو تعیین شد. به منظور افزایش دقت نمونه و با احتمال عدم بازگشت تعدادی از پرسشنامهها یا ناقص بودن آنها، با اعمال تصحیح، حجم نمونه به ۳۸۱ دانشجو ارتقا پیدا کرد. شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای توزیع به نسبت است. در این شیوه، با دراختیارداشتن تعداد دانشجویان عضو هریک از تشکلهای دانشجویی در سه دانشگاه مورد مطالعه، حجم نمونه متناسب با تعداد دانشجویان هریک از دانشگاهها توزیع شد. در جدول ۱ تعداد نمونه‌های اختصاص یافته به هریک از دانشگاهها برحسب تعداد دانشجویان عضو تشکلهای دانشجویی نشان داده شده است.

جدول ۱. توزیع نمونه‌های آماری به تفکیک دانشگاههای مورد مطالعه

نام دانشگاه	تعداد دانشجویان عضو تشکلهای دانشجویی	نمونه آماری
دانشگاه تهران	۷۸۰	۲۳۸
دانشگاه خوارزمی	۳۹۱	۱۱۳
دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات	۱۴۰	۳۰
مجموع	۱۳۱۱	۳۸۱

برای انتخاب نمونه‌های داخل تشکل در سه دانشگاه مورد مطالعه، از شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد.

سنجش متغیرها و توزیع نمرات

سرمایه اجتماعی: سنجش میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان در سه بعد اعتماد بین فردی، مشارکت و انسجام اجتماعی صورت گرفت. این سه بعد با ۱۲ گویه بررسی شدند. طیف لیکرت با پاسخهای پنج طبقه‌ای از «بسیار زیاد» با نمره ۴ تا «بسیار کم» با نمره ۱۲ برای ۱۲ گویه طراحی شد. بر همین اساس، متغیر سرمایه اجتماعی در این پژوهش بر مقیاسی با دامنه صفر تا ۴۸ و میانگین واقعی ۲۴ قرار دارد.

سرمایه فرهنگی: برای سنجش سرمایه فرهنگی دانشجویان، از ۱۴ گویه استفاده شد.

گویه‌های مورد استفاده به بررسی میزان مهارت دانشجویان در هنر، ورزش و حرفه‌های خاص و دراختیارداشتن وسایل و لوازم آن‌ها، میزان مطالعه و تحقیق و داشتن کتاب‌ها و مجلات تخصصی، میزان تسلط به زبان‌های خارجی و نرم‌افزارهای کامپیوتری و میزان داشتن مدارک و گواهی‌های علمی، هنری و ورزشی می‌پردازند. گویه‌های سرمایه فرهنگی از طریق طیف لیکرت با پاسخ‌های پنج‌طبقه‌ای از «بسیار زیاد» تا «بسیار کم» از طریق پرسشنامه در اختیار دانشجویان قرار داده شد. با توجه به تعداد گویه‌ها و نمره اختصاص یافته به پاسخ‌های طیف می‌توان گفت نمره سرمایه فرهنگی روی مقیاسی با دامنه صفر تا ۵۶ و میانگین واقعی ۲۸ قرار دارد.

دینداری: در این پژوهش، در میان ابعاد مختلف دینداری به بررسی بعد اعتقادی دینداری پرداخته شد. برای سنجش این متغیر از پنج گویه در قالب طیف لیکرت از پاسخ «بسیار زیاد» با نمره ۴ تا «بسیار کم» با نمره صفر استفاده شده است؛ بنابراین، نمره دینداری دانشجویان روی مقیاسی با دامنه صفر تا ۲۰ با میانگین واقعی ۱۰ قرار دارد.

نگرش سیاسی: به دلیل گسترده بودن مفهوم نگرش سیاسی، سنجش آن دشوار است. سنجیدن این مفهوم به هر شیوه‌ای می‌تواند حاوی انتقاداتی مبنی بر نادیده گرفتن ابعادی از نگرش سیاسی باشد. این پژوهش نیز خالی از این نقد نیست. به عبارت دیگر، شاخص‌های به کاررفته برای سنجش نگرش سیاسی دانشجویان با نادیده گرفتن تعدادی از شاخص‌های نگرش سیاسی همراه است. با وجود این، باید به شاخص‌هایی برای سنجش نگرش سیاسی دانشجویان اتکا کرد. در این پژوهش، منظور از نگرش سیاسی، طیفی از نگرش سیاسی مثبت تا نگرش سیاسی منفی است. مثبت بودن نگرش سیاسی به معنای امیدواری به بهبود وضعیت موجود و امیدواری به آینده است و نگرش سیاسی منفی نیز به معنای ناامیدی از وضعیت موجود و نگرانی از وضعیت آینده کشور است. برای سنجش نگرش سیاسی دانشجویان با توجه به معنای مورد نظر این مفهوم، از پنج شاخص استفاده شده است. این پنج شاخص عبارت‌اند از: ۱. نگرش دانشجویان به تغییرات صورت گرفته در حیات سیاسی-اجتماعی کشور در مقایسه با چهار سال گذشته، ۲. نگرش دانشجویان به تغییرات احتمالی در حیات سیاسی-اجتماعی کشور در چهار سال آینده، ۳. میزان مشارکت پذیر بودن دولت، ۴. میزان مشارکت دانشجویان در انتخابات‌های گذشته (مشارکت عینی)، ۵. میزان مشارکت دانشجویان در انتخابات‌های آینده (مشارکت ذهنی). نحوه سنجش این شاخص‌ها در ادامه بررسی می‌شود.

نگرش دانشجویان به تغییرات حیات سیاسی-اجتماعی کشور نسبت به گذشته و آینده: تغییرات نسبت به گذشته و در آینده در سه بعد تغییر در وضعیت دینداری، وضعیت سیاسی و ارزش‌های اخلاقی سنجش شد. برآیند حاصل از این سه بعد روی طیفی با نمره حداقل صفر و حداکثر ۶ و میانگین ۳ قرار داده شد.

مشارکت‌پذیری دولت: برای سنجش میزان مشارکت‌پذیری دولت از چهار گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شد. پاسخ‌های طیف در دامنه «بسیار زیاد» با نمره ۴ تا «بسیار کم» با نمره صفر واقع شده است. براساس تعداد گویه‌ها و پاسخ‌های طیف باید گفت میزان مشارکت‌پذیری دولت از دیدگاه دانشجویان در دامنه‌ای با نمره صفر (دولت کاملاً غیرمشارکتی) تا نمره ۱۶ (دولت کاملاً مشارکتی) و میانگین ۸ قرار گرفته است.

مشارکت دانشجویان در انتخابات‌های گذشته (مشارکت عینی) و انتخابات‌های آینده (مشارکت ذهنی): برای سنجش میزان مشارکت دانشجویان در انتخابات‌های گذشته و آینده از آن‌ها به تفکیک پرسیده شد که آیا در آخرین انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شورای شهر و مجلس خبرگان رهبری شرکت کرده‌اند (مشارکت عینی) و آیا در چهار انتخابات مذکور به تفکیک در آینده شرکت خواهند کرد (مشارکت ذهنی). پاسخ‌های دانشجویان در قالب دو گزینه «بلی» با نمره ۱ و «خیر» با نمره صفر طبقه‌بندی شد. مجموع نمره پاسخگویان در انتخابات‌های گذشته و آینده در دامنه‌ای با حداقل نمره صفر (عدم مشارکت) و حداکثر نمره ۴ (مشارکت کامل) با میانگین ۲ قرار می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه می‌شود. در بخش یافته‌های توصیفی، وضعیت متغیرهای مستقل و وابسته در میان دانشجویان عضو تشکلهای دانشجویی بیان می‌شود و در بخش استنباطی نیز به آزمون فرضیه‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی برحسب نوع متغیرهای تحقیق در دو جدول ارائه می‌شود. جدول ۲ توزیع

پاسخگویان برحسب مشخصات عمومی آن‌ها همراه با نوع تشکلهای دانشجویی، منبع کسب خبر و آماره‌های توصیفی سن پاسخگویان را ارائه می‌دهد. جدول ۳ نیز شامل متغیرهایی است که از طریق طیف لیکرت سنجش شده است که عبارت از سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، دینداری و نگرش سیاسی و شاخص‌های آن است.

جدول ۲. توزیع پاسخگویان برحسب مشخصات عمومی، نوع تشکلهای دانشجویی، منبع کسب خبر و آماره‌های توصیفی وضعیت سنی

متغیر	طبقات	فراوانی	درصد		مجموع		
			معتبر	فراوانی			
جنسیت	زن	۱۱۶	۳۰/۴	۳۸۱	۱۰۰		
	مرد	۲۶۵	۶۹/۶				
وضعیت تأهل	مجرد	۳۱۶	۸۲/۹	۳۸۱	۱۰۰		
	متأهل	۶۵	۱۷/۱				
رشته تحصیلی	علوم پایه	۹۱	۲۳/۹	۳۸۱	۱۰۰		
	فنی-مهندسی	۷۲	۱۸/۹				
	علوم انسانی	۲۱۸	۵۷/۲				
مقطع تحصیلی	کارشناسی	۱۶۶	۴۳/۶	۳۸۱	۱۰۰		
	کارشناسی ارشد دکتری	۱۴۵ ۷۰	۳۸/۱ ۱۸/۴				
نوع تشکلهای دانشجویی	بسیج دانشجویی	۹۲	۲۴/۱	۳۸۱	۱۰۰		
	شورای صنفی	۸۵	۲۲/۳				
	کانون‌های علمی	۹۶	۲۵/۲				
	انجمن‌های مستقل	۶۵	۱۷/۱				
	سایر	۴۳	۱۱/۳				
منبع کسب خبر	روزنامه	۲	۰/۵	۳۸۱	۱۰۰		
	صداوسیما	۴۷	۱۲/۳				
	شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان	۷۲	۱۸/۹				
	شبکه‌های پیام‌رسان موبایلی	۱۸۳	۴۸				
	شبکه‌های ماهواره‌ای غیرفارسی زبان	۱۶	۴/۲				
	خبرگزاری‌های داخلی	۵۶	۱۴/۷				
دوستان	۵	۱/۳					
سن	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	میانه	مد	کمترین سن	بیشترین سن
	۳۸۱	۲۴/۵	۴/۳۴	۲۴	۲۰	۱۸	۴۵

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد بیشتر پاسخگویان عضو تشکل‌های دانشجویی را مردان (۶۹/۶ درصد) تشکیل می‌دهند. میانگین سنی دانشجویان حدود ۲۴/۵ سال با انحراف معیار حدود ۴ سال است. بیش از ۸۰ درصد از دانشجویان عضو تشکل‌های دانشجویی مجرد هستند. رشته تحصیلی بیش از نیمی از پاسخگویان علوم انسانی است. از میان مشارکت‌کنندگان حدود ۴۴ درصد دانشجوی کارشناسی، حدود ۳۸ درصد دانشجوی کارشناسی ارشد و مابقی آن‌ها دانشجوی دکتری هستند. بیشتر پاسخگویان به ترتیب در کانون‌های علمی، بسیج دانشجویی و شورای صنفی عضو هستند. منابع کسب خبر دانشجویان متعدد است، اما می‌توان گفت که بیشترین فراوانی منبع کسب خبر دانشجویان مربوط به پیام‌رسان‌های موبایلی است که تقریباً نیمی از دانشجویان آن را به عنوان منبع اصلی کسب خبر بیان کرده‌اند. بعد از پیام‌رسان‌های موبایلی، با اختلاف قابل توجهی شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان در رده دوم مهم‌ترین منابع کسب خبر قرار گرفته‌اند.

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد نمره میانگین به دست آمده برای سرمایه اجتماعی دانشجویان حدود ۳۰ است؛ بنابراین می‌توان گفت میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان متوسط رو به بالاست. براساس طبقه‌بندی صورت گرفته از نمرات، سرمایه اجتماعی در حدود ۹۰ درصد از دانشجویان در سطح متوسط رو به بالاست. میانگین سرمایه فرهنگی دانشجویان عضو تشکل‌های دانشجویی برابر با ۲۸/۸ است که تقریباً در سطح میانگین قرار دارد. طبقه‌بندی صورت گرفته از سرمایه فرهنگی نشان داد که وضعیت سرمایه فرهنگی بیش از سه‌چهارم دانشجویان متوسط است. نمره میانگین میزان دینداری به دست آمده در این پژوهش برای دانشجویان در حدود ۱۵ است که نشان‌دهنده سطح بالای دینداری دانشجویان در بعد اعتقادی آن است. نمره دینداری بیش از ۶۶ درصد دانشجویان در سطح بالا، حدود ۲۷ درصد در سطح متوسط و تنها حدود ۶ درصد دانشجویان در سطح پایینی قرار دارد.

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، دینداری، نگرش سیاسی و شاخص های آن همراه با آماره های مربوط به هریک از متغیرها

متغیر	طبقات	فراوانی	درصد معتبر	میانگین واقعی	میانگین به دست آمده	انحراف معیار	کمترین نمره	بیشترین نمره
سرمایه اجتماعی	بالا	۱۸۹	۴۹/۶	۲۴	۲۹/۹	۹/۴	۰	۴۸
	متوسط	۱۴۹	۳۹/۱					
	پایین	۴۳	۱۱/۳					
سرمایه فرهنگی	بالا	۷۷	۲۰/۲	۲۸	۲۸/۸	۸/۱	۷	۵۳
	متوسط	۲۹۰	۷۶/۱					
	پایین	۱۴	۳/۷					
دینداری	بالا	۲۵۲	۶۶/۲	۱۰	۱۵/۳	۱/۴	۰	۲۰
	متوسط	۱۰۵	۲۷/۵					
	پایین	۲۴	۶/۳					
وضعیت تغییرات سیاسی - اجتماعی نسبت به گذشته	بهبتر شده	۲۸	۷/۳	۳	۲/۳۵	۱/۳۰	۰	۵
	فرقی نکرده	۲۷۴	۷۱/۹					
	بدتر شده	۷۹	۲۰/۷					
وضعیت تغییرات سیاسی - اجتماعی در آینده	بهبتر می شود	۲۴	۶/۳	۲	۲/۳۷	۱/۳۶	۰	۶
	فرقی نمی کند	۲۶۴	۶۹/۳					
	بدتر می شود	۹۳	۲۴/۴					
میزان مشارکت پذیر بودن دولت	زیاد	۱۰۶	۲۸	۸	۷/۳	۳/۶	۰	۱۶
	متوسط	۱۴۲	۳۷/۵					
	پایین	۱۳۱	۳۴/۵					
میزان شرکت در انتخابات در گذشته	زیاد	۳۲۳	۸۵/۷	۲	۳/۴	۱/۳	۰	۴
	متوسط	۳	۰/۸					
	کم	۵۱	۱۳/۵					
میزان شرکت در انتخابات در آینده	زیاد	۳۲۴	۸۵	۲	۳/۴	۱/۳	۰	۴
	متوسط	۳	۰/۸					
	کم	۵۴	۱۴/۲					
نگرش سیاسی	مثبت	۷۷	۲۰/۵	۲۵	۲۸/۱	۷/۲	۴	۴۵
	بینابین	۲۶۸	۷۱/۵					
	منفی	۳۰	۸					

دو مورد از شاخص‌های نگرش سیاسی دانشجویان مربوط به نگرش دانشجویان به تغییرات حیات سیاسی-اجتماعی کشور نسبت به گذشته و در آینده است. یافته‌های به‌دست‌آمده از نمرات پاسخگویان در این دو شاخص در جدول ۳ نشان می‌دهد تغییرات حیات سیاسی-اجتماعی کشور نسبت به گذشته و در آینده از دیدگاه دانشجویان تفاوت معناداری ندارد. به عبارت دیگر، بیشتر دانشجویان یعنی بیش از دو سوم آن‌ها معتقدند که وضعیت کنونی نسبت به گذشته تغییری نکرده و در آینده نیز تغییری نخواهد کرد. تعداد دانشجویانی که معتقدند تغییرات حیات سیاسی-اجتماعی کشور روند بدتر شدن را طی می‌کند، به‌صورت معناداری بیشتر از دانشجویانی است که معتقد به بهتر شدن اوضاع هستند. میزان مشارکت‌پذیر بودن دولت یکی دیگر از شاخص‌های نگرش سیاسی دانشجویان است. بیشتر آن‌ها مشارکت‌پذیر بودن دولت را در سطح متوسط ارزیابی کردند، اما بین دیدگاه دانشجویان برحسب سطوح مختلف میزان مشارکت‌پذیر بودن دولت تفاوت معناداری وجود ندارد. نمره میانگین به‌دست‌آمده از میزان مشارکت‌پذیر بودن دولت نیز نزدیک به میانگین واقعی است. دو نوع مشارکت عینی و ذهنی دو شاخص دیگر از نگرش سیاسی دانشجویان را تشکیل می‌دهد. یافته‌های حاصل از پاسخ‌های دانشجویان به تفکیک دو نوع مشارکت نشان می‌دهد. مقادیر به‌دست‌آمده برای میزان شرکت در انتخابات در گذشته تقریباً برابر با شرکت در انتخابات در آینده است. در هر دو وضعیت انتخاباتی، میزان مشارکت دانشجویان زیاد است. این آمار تقریباً برای هر دو وضعیت ۸۵ درصد از تعداد کل دانشجویان است که با نمره میانگین مشارکت آن‌ها در انتخابات یعنی حدود ۳/۵ نیز تأیید می‌شود. با وجود اینکه دانشجویان معتقدند وضعیت حیات سیاسی-اجتماعی کشور روند نزولی دارد و وضعیت کنونی بدتر از گذشته است و در آینده نیز بدتر از وضعیت کنونی خواهد بود، باز هم به مشارکت در انتخابات در همه سطوح اعتقاد دارند و امیدوار به صندوق رأی هستند.

نگرش سیاسی دانشجویان برآیند نمرات به‌دست‌آمده از پنج شاخص ذکر شده است. با اعمال ضرایب برای شاخص‌های شرکت در انتخابات گذشته و آینده و همچنین تغییرات در حیات سیاسی-اجتماعی کشور نسبت به چهار سال گذشته و آینده، متغیر نگرش سیاسی ایجاد شد که هر پنج شاخص مورد مطالعه دارای وزن تقریباً برابری در نگرش سیاسی دانشجویان

هستند. طیف نگرش سیاسی دارای دامنه‌ای از صفر (نگرش سیاسی کاملاً منفی به آینده سیاسی کشور و ناامیدی از آن) تا ۵۰ (نگرش سیاسی کاملاً مثبت و امیدواری کامل به آینده سیاسی کشور) با میانگین ۲۵ است. یافته‌های نگرش سیاسی در جدول ۳ بیانگر آن است که بیشتر دانشجویان یعنی بیش از ۷۰ درصد از آن‌ها در میانه طیف نگرش سیاسی قرار دارند. به عبارت دیگر، هم امیدواری‌های سیاسی و هم ناامیدی‌هایی دارند. دیدگاه این گروه از دانشجویان بسیار ناپایدار است و هرگونه اقدام دولت در زمینه حیات سیاسی-اجتماعی کشور بیش از همه گروه‌های دانشجویی روی این گروه تأثیرگذار است و می‌تواند زمینه دل‌بستگی بیشتر به دولت و امیدواری به آینده سیاسی کشور (حرکت به سمت مثبت طیف) یا دلزدگی از دولت به آینده سیاسی کشور و ناامیدی از آن (حرکت به سمت منفی طیف) را ایجاد کند. میانگین به دست آمده برای نگرش سیاسی نیز تأییدکننده تجمع دانشجویان در میانه طیف نگرش سیاسی است.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه‌های تحقیق با توجه به سطح سنجش متغیرها بررسی می‌شوند. یافته‌های آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ این آزمون برای متغیرهای تحقیق بیانگر استفاده از آزمون‌های پارامتریک است. جدول ۴ به تفکیک به آزمون رابطه چهار متغیر مستقل سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، میزان دینداری و سن دانشجویان با نگرش سیاسی آن‌ها می‌پردازد.

جدول ۴. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	سطح معناداری	میزان ضریب همبستگی	پذیرش / رد رابطه
سرمایه اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۲۶	پذیرش رابطه	
سرمایه فرهنگی	۰/۹	۰/۰۱	رد رابطه	
دینداری	۰/۰۰۰	۰/۲۷	پذیرش رابطه	
سن	۰/۷۵	-۰/۰۲	رد رابطه	

یافته‌های مندرج در جدول ۴ بیانگر آن است که بین سرمایه اجتماعی دانشجویان و نگرش سیاسی آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد. جهت رابطه مثبت است؛ یعنی با افزایش میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان، نگرش سیاسی آن‌ها به سمت مثبت طیف میل می‌کند و امیدواری دانشجویان به حیات سیاسی-اجتماعی کشور افزایش می‌یابد و برعکس. میزان ضریب همبستگی پیرسون این رابطه نشان‌دهنده شدت رابطه در سطح متوسط به پایین است. جدول ۴ نشان می‌دهد سرمایه فرهنگی و سن دانشجویان با نگرش سیاسی آن‌ها رابطه معنادار ندارد. سطح معناداری آزمون همبستگی پیرسون برای این دو رابطه بزرگ‌تر از $0/05$ و به ترتیب برابر با $0/9$ و $0/75$ است. درباره متغیر مستقل دینداری باید گفت که نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین میزان دینداری دانشجویان و نگرش سیاسی آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد. سطح معناداری این آزمون با ضریب همبستگی $0/27$ برابر با $0/000$ است. شدت رابطه متوسط به پایین و جهت آن نیز مثبت است.

برای بررسی تفاوت نمره نگرش سیاسی دانشجویان برحسب چهار متغیر رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی، نوع تشکلهای دانشجویی و منبع کسب خبر از آزمون آنالیز واریانس یک‌راهه یا آزمون F استفاده شد. نتایج این آزمون به تفکیک چهار متغیر مورد بررسی در جدول ۵ نشان داده شده است.

یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد نمره میانگین نگرش سیاسی دانشجویان برحسب رشته تحصیلی تفاوت معنادار دارد. سطح معناداری این آزمون برابر با $0/002$ است. نمره میانگین نگرش سیاسی دانشجویان علوم پایه و علوم انسانی تقریباً برابر با یکدیگر و بیشتر از نمره نگرش سیاسی دانشجویان رشته فنی-مهندسی است. دانشجویان علوم پایه و علوم انسانی نگرش سیاسی مثبت‌تری به آینده سیاسی-اجتماعی کشور در مقایسه با دانشجویان فنی-مهندسی دارند. برای مقایسه بین زوج رشته‌های تحصیلی از آزمون تعقیبی LSD استفاده شد. نتایج این آزمون نشان می‌دهد تفاوت بین نمره نگرش سیاسی زوج رشته‌های تحصیلی زیر معنادار است: ۱. علوم پایه و فنی-مهندسی، و ۲. علوم انسانی و فنی-مهندسی.

آزمون بررسی تفاوت میانگین نمره نگرش سیاسی دانشجویان برحسب مقطع تحصیلی با مقدار $F(0/36)$ و سطح معناداری $(0/7)$ نشان می‌دهد نگرش سیاسی برحسب مقطع تحصیلی

تفاوت معناداری ندارد. اگرچه با افزایش سطح تحصیلات دانشجویان نگرش سیاسی آنها مثبت‌تر می‌شود و میزان امید آنها به آینده سیاسی-اجتماعی کشور افزایش می‌یابد، این اختلاف به لحاظ آماری معنادار نیست.

جدول ۵. نتایج آزمون آنالیز واریانس یک‌راهه

متغیرهای مستقل	تعداد	میانگین نمره	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری	پذیرش / رد تفاوت
علوم پایه	۹۱	۲۹	۷/۳			
فنی-مهندسی	۷۱	۲۵/۵	۷/۵	۶/۲	۰/۰۰۲	پذیرش تفاوت
علوم انسانی	۲۱۳	۲۸/۷	۶/۹			
کارشناسی	۱۶۲	۲۷/۹	۷/۹			
کارشناسی ارشد	۱۴۳	۲۸/۲	۷/۲	۰/۳۶	۰/۷	رد تفاوت
دکتری	۷۰	۲۸/۷	۵/۵			
بسیج دانشجویی	۸۹	۳۲/۲	۶/۵			
شورای صنفی	۸۵	۲۷/۱	۶/۲			
کانون‌های علمی	۹۳	۲۶	۸/۴	۱۱/۱	۰/۰۰۰	پذیرش تفاوت
انجمن‌های مستقل	۶۵	۲۶/۹	۶/۴			
سایر	۴۳	۲۸/۴	۵/۷			
صداوسیما	۴۷	۲۹/۶	۶/۲			
شبکه‌های ماهواره‌ای	۷۲	۲۶/۶	۷/۴			
فارسی‌زبان						
شبکه‌های پیام‌رسان	۱۷۹	۲۸/۱	۷/۴			
موبایلی				۱/۳	۰/۲۷	رد تفاوت
شبکه‌های ماهواره‌ای	۱۶	۲۹/۲	۴/۴			
خبر						
غیرفارسی‌زبان						
خبرگزاری‌های داخلی	۵۴	۲۹	۷/۴			
سایر	۷	۲۷/۵	۹/۵			

یافته‌های آزمون مقایسه میانگین نگرش سیاسی دانشجویان برحسب نوع تشکل‌های دانشجویی نشان می‌دهد دانشجویانی که عضو بسیج دانشجویی هستند، به مراتب نگرش سیاسی مثبت‌تری در مقایسه با سایر تشکل‌های دانشجویی دارند و به آینده سیاسی-اجتماعی کشور امیدوارترند. مقدار F این آزمون و سطح معناداری آن به ترتیب برابر با ۱۱/۱ و ۰/۰۰۰ است که نشان‌دهنده معناداربودن آزمون تفاوت در سطح اطمینان ۹۹ درصد است. کمترین میانگین نمره نگرش سیاسی نیز متعلق به کانون‌های علمی است. یافته‌های آزمون LSD نشان می‌دهد اختلاف بین زوج گروه‌های زیر معنادار است: ۱. بسیج دانشجویی و شورای صنفی، ۲. بسیج دانشجویی و کانون‌های علمی، ۳. بسیج دانشجویی و انجمن‌های مستقل، ۴. بسیج دانشجویی و سایر انواع تشکل‌های دانشجویی.

جدول ۵ نشان می‌دهد میانگین نمره نگرش سیاسی دانشجویان برحسب منبع کسب خبر به لحاظ آماری تفاوت معناداری ندارد، اما با توجه به مقادیر به دست آمده باید گفت دانشجویانی که منبع کسب اخبار آن‌ها صداوسیماست، در مقایسه با دانشجویانی که از شبکه‌های تلویزیون ماهواره‌ای فارسی‌زبان اخبار روز را پیگیری می‌کنند، به مراتب نگرش سیاسی مثبت‌تری به اوضاع سیاسی-اجتماعی کشور دارند.

برای بررسی آزمون تفاوت میانگین نمره نگرش سیاسی دانشجویان برحسب دو متغیر مستقل جنسیت و وضعیت تأهل، از آزمون مقایسه میانگین t دو گروه مستقل استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. آزمون مقایسه میانگین t مستقل

متغیرهای مستقل	تعداد	میانگین نمره	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری	پذیرش / رد تفاوت
جنسیت	۱۱۶	۲۷/۹	۷/۸	۰/۴	۰/۶۹	رد تفاوت
وضعیت	۳۱۰	۲۸/۲	۷/۲	۰/۴	۰/۶۶	رد تفاوت
تأهل	۶۵	۲۷/۸	۷/۴			

یافته‌های مندرج در جدول ۶ حاکی از آن است که با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری هر دو آزمون بالاتر از ۰/۰۵ است، باید گفت نگرش سیاسی دانشجویان برحسب جنسیت و وضعیت تأهل تفاوت معناداری ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

سنجش نگرش سیاسی شهروندان از ابعاد مختلف، موضوعی است که باید همواره مورد توجه دولتمردان واقع شود. دولتمردان دوراندیش به‌خوبی به این موضوع آگاه هستند که نگرش سیاسی شهروندان تعیین‌کننده روند ادامه کار دولت‌هاست. در میان گروه‌های مختلف شهروندان، دانشجویان از مهم‌ترین گروه‌هایی هستند که نه تنها نگرش سیاسی آن‌ها به‌عنوان شهروندان جامعه مهم است، بلکه به‌دلیل اثرگذاری نگرش این گروه از شهروندان بر خانواده و جامعه باید به نگرش سیاسی آن‌ها توجه صورت گیرد و عوامل تغییرات نگرش آن‌ها شناسایی شود. در میان جمعیت دانشجویی باید به دانشجویانی اشاره کرد که با اهداف مختلف جذب انواع تشکلهای دانشجویی می‌شوند. این گروه از دانشجویان در کنار فراگیری علم و معرفت به‌دنبال تحقق اهداف و خواسته‌های سیاسی-اجتماعی خود و اثرگذاری بر جامعه هستند. این موضوع در پژوهش پیش‌رو در میان دانشجویان مشهود است. هریک از دانشجویان برحسب تشکلهایی که عضو آن هستند، در طیف نگرش سیاسی نمرات مختلفی را کسب کردند و این نمرات نشان‌دهنده میزان امیدواری آن‌ها به آینده سیاسی-اجتماعی کشور است. این موضوع از دیدگاه آلموند و وربا (۱۹۶۳) نیز مطرح شده بود که در این پژوهش تأیید شد. تشکلهای دانشجویی به‌عنوان انجمن‌های داوطلبانه، از نهادهای تأثیرگذار بر نگرش سیاسی افراد هستند. افرادی که عضو این تشکلهای می‌شوند، عموماً از نظر ذهنی اعتقاد دارند که می‌توانند بر دولت و حکومت اثرگذار باشند. اگرچه ممکن است این اعتقاد لزوماً همراه با نتایج عملی و اثرگذاری عینی نباشد، توانایی ذهنی سبب افزایش توانایی سیاسی افراد می‌شود. یافته‌های این بخش هم‌راستا با پژوهش‌های برایان هستی (۲۰۰۷) و نیوکام (۱۹۴۳) است. به‌لحاظ فرهنگ سیاسی دانشجویان باید گفت با توجه به نمرات نگرش سیاسی و ابعاد مختلف آن، تمایل به فرهنگ سیاسی مشارکتی در مقایسه با دو فرهنگ سیاسی دیگر یعنی فرهنگ سیاسی محدود و

تبعی در سطح بالاتری قرار دارد. یافته‌های این بخش هم‌راستا با پژوهش‌های سراج‌زاده و جواهری (۱۳۸۲ و ۱۳۹۴) و سراج‌زاده و کریمی (۱۳۹۸) است.

عوامل اجتماعی مختلفی بر نگرش سیاسی دانشجویان و تقویت فرهنگ سیاسی مشارکتی آن‌ها اثرگذار است که در این میان باید به موضوع سرمایه اجتماعی دانشجویان اشاره کرد. به عبارت دیگر، با تقویت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی دانشجویان، میزان اعتماد آن‌ها به یکدیگر بیشتر می‌شود و نیروی تشکلهای دانشجویی در صورت لزوم، با هدف دستیابی به یک اصل مشترک با یکدیگر هم‌جهت می‌شوند. هم‌افزایی نیروهای دانشجویی، میزان اثرگذاری آن‌ها را بر نهادهای سیاسی بیشتر و مؤثرتر می‌سازد. پیامد این امر تقویت نگرش سیاسی مثبت دانشجویان و فرهنگ سیاسی مشارکتی آن‌هاست. یافته‌های این بخش هم‌راستا با پژوهش‌های لائر و همکاران (۲۰۰۸) و رهبرقاسی و همکاران (۱۳۹۵)، سردارنیا و یوسفی (۱۳۹۵) و آذین و عزیزی (۱۳۹۰) است. در این پژوهش، سرمایه فرهنگی دانشجویان بر نگرش سیاسی آن‌ها اثرگذاری معنادار ندارد و از این جهت، هم‌راستا با پژوهش حمیدی هریس و راد (۱۳۹۶) نیست. دینداری دانشجویان رابطه مثبت و معناداری با نمره نگرش سیاسی دارد. به عبارت دیگر، هرچه بر میزان دینداری دانشجویان افزوده می‌شود، نگرش سیاسی آن‌ها مثبت‌تر است و امیدواری به آینده سیاسی-اجتماعی کشور افزایش می‌یابد. یافته‌های این بخش هم‌راستا با پژوهش رهبر قاضی و همکاران (۱۳۹۶) است که بر اثرگذاری مثبت ارزش‌های فرهنگی بر نگرش سیاسی تأکید کرده‌اند. نگرش سیاسی دانشجویان بیش از آنکه تحت تأثیر مشخصات عمومی آن‌ها مانند سن، جنسیت و مقطع تحصیلی باشد، ناشی از عوامل اجتماعی مانند سرمایه اجتماعی دانشجویان، میزان دینداری آن‌ها و نوع تشکلهای دانشجویی است. درحالی‌که پژوهش‌هایی مانند چابکی (۱۳۹۳)، آذین و عزیزی (۱۳۹۰) به تفاوت‌های جنسیتی اشاره دارند و جهانگیری و بوستانی (۱۳۸۰) نیز به متغیرهایی مانند تحصیلات، سن، جنسیت و وضعیت تأهل تأکید دارند که هیچ‌کدام از این متغیرها در این پژوهش با نگرش سیاسی دانشجویان رابطه معناداری ندارد. درنهایت، قدرت تبیین‌کنندگی عوامل اجتماعی بیش از مشخصات عمومی دانشجویان است.

منابع

- آذین، احمد و یوسف عزیزی (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش سیاسی - اجتماعی جوانان (۱۵ الی ۲۹ ساله) در شهر بروجن»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۹: ۱۰۱-۱۰۸.
- بدیع، برتران (۱۳۷۶)، توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب‌زاد، تهران: نشر قومس.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۷)، تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث.
- پناهی، محمدحسین و حسین کردی (۱۳۸۹)، «فرهنگ سیاسی و عوامل اجتماعی آن: مطالعه موردی استان گلستان»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۱: ۱-۳۷.
- جهانگیری، جهانگیر و فاطمه ابوترابی‌زارچی (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بر مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دانشجویان؛ مطالعه موردی: دانشگاه شیراز»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۴: ۸۹-۱۲۲.
- جهانگیری، جهانگیر و داریوش بوستانی (۱۳۸۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی (مطالعه موردی: افراد ۲۰ سال به بالای شهر شیراز)»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۲: ۱۷۳-۱۹۱.
- جهانگیری، جهانگیر و نسرين محمدی (۱۳۹۷)، «تبیین جامعه‌شناختی رابطه امید سیاسی و بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز)»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۱: ۱۲۷-۱۵۰.
- چابکی، ام‌البنین (۱۳۹۳)، «رابطه تعامل با گروه‌های مرجع و تغییر نگرش سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی»، نشریه زن در توسعه و سیاست، شماره ۱: ۷۴-۵۷.
- حمیدی هریس، رسول و فیروز راد (۱۳۹۶)، بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، مطالعات جامعه‌شناسی، شماره ۳۵: ۶۵-۸۱.

- راش، مایکل (۱۳۷۷)، *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- ربیعی، علی (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶*، تهران: نشر فرهنگ و اندیشه.
- رهبرقاضی، محمودرضا و امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ نوریخس، سوسن و مینا خاکی (۱۳۹۶)، «ارزش‌های فرهنگی و تأثیرات آن بر نگرش اقتصادی و سیاسی شهروندان»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، شماره ۱: ۴۷-۶۳.
- رهبرقاضی، محمودرضا؛ گشول، سعید؛ عربیان، حسین و سهیلا آشنایی (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی مشارکتی»، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*، شماره ۴: ۱۰۱-۱۲۲.
- سراج‌زاده، سید حسین و فاطمه جواهری (۱۳۸۲)، *نگرش‌ها و رفتار دانشجویان*، گزارش طرح پیمایش نگرش‌ها، رفتار و آگاهی‌های دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تحت پوشش وزارت علوم، اداره کل مطالعات و برنامه‌ریزی معاونت فرهنگی و اجتماعی، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- سراج‌زاده، سید حسین و جواهری، فاطمه (۱۳۹۴)، *نگرش‌ها و رفتار دانشجویان*، گزارش طرح پیمایش نگرش‌ها، رفتار و آگاهی‌های دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تحت پوشش وزارت علوم، اداره کل مطالعات و برنامه‌ریزی معاونت فرهنگی و اجتماعی، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- سراج‌زاده، سید حسین و علیرضا کریمی (۱۳۹۸)، *نگرش سیاسی دانشجویان و تغییرات آن در یک دهه اخیر*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری. (در دست انتشار)
- سردارنیا، خلیل‌الله و بهمن یوسفی (۱۳۹۵)، «سنجش رابطه اعتماد و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با فرهنگ سیاسی دانشجویان؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، شماره ۱: ۵-۲۶.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی.

- عباسی، روح‌الله؛ کوهکن، علیرضا و صادق آبسالان (۱۳۹۲)، «بررسی نقش رسانه‌ها و گروه‌های مرجع بر شکل‌گیری نگرش سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی: خیزش‌های اخیر اسلامی در منطقه خاورمیانه)»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۹: ۱۰۷-۱۳۰.
- عطارزاده، مجتبی؛ امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد و نجات محمدی‌فر (۱۳۸۸)، «نقش رسانه‌های جمعی در جهت‌دهی فرهنگ سیاسی دانشجویان»، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی تبریز، شماره ۲۵: ۱۳۹-۱۷۱.
- عظیمی، غلامرضا و محمدرضا رسولی (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری سیاسی با تأکید بر فرهنگ سیاسی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۸: ۲۲۳-۲۵۱.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی، مقاله‌ای از کتاب سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، به کوشش کیان تاج‌بخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸)، چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلالی‌پور، تهران: طرح نو.
- محمدی‌فر، نجات و مسعودنیا، حسین و گلمراد مرادی (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه اصفهان)»، مطالعات فرهنگ و ارتباطات، شماره ۱۶: ۲۰۳-۲۳۴.
- مرتضویان، علی و سیدمرتضی فتاحی (۱۳۹۰)، پیر بردیو و اندیشه دموکراسی واقعی: درآمدی بر مشارکت سیاسی در فضای تعامل کنش و ساختار، مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۱۴: ۱۴۴-۱۸۴.
- مک لوهان، مارشال (۱۳۷۷)، برای درک رسانه‌ها، ترجمه سعید آذری، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.
- مهرداد، هرمز (۱۳۷۳)، «نظریه فرهنگ سیاسی چارچوبی برای تحلیل»، پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۲ و ۳: ۵۸-۶۳.
- Abbasi, R., Kouhkan, A. R., and Absalan, S. (2013), "Investigating the Role of Media and Reference Groups on Students' Political Attitude: Study of Recent Islamic Movements in the Middle East", **Political Research of the Islamic World**, No. 9: 107-130. (In Persian)

- Alam, A. (1994), **Foundations of Science of Politics**, Tehran: Ney Publication. (*In Persian*)
- Almond, G., and Verba, S. (1963), **The Civic Culture**, Princeton University Press.
- Atarzadeh, M., Emam Jomezadeh, S. J., and Mohammadifar, N. (2009), "The Role of Mass Media in Orienting Students' Political Culture", **Journal of the Faculty of Humanities and Social Sciences of Tabriz**, No. 25: 139-171. (*In Persian*)
- Azimi, Gh., and Rasouli, M. R. (2010), "Study of the Factors Affecting Political Inequality with an Emphasis on Political Culture", **Journal of Social Sciences**, No. 48: 223-251. (*In Persian*)
- Azin, A., and Azizi, Y. (2011), "Investigating the Factors Affecting the Social-Political Attitudes of Youth (15-29 Years Old) in Boroujen", **Political and International Research**, No. 9: 101-108. (*In Persian*)
- Badie, B. (1997), **Political Development**, Tehran: Ghoomes Publication. (*In Persian*)
- Bourdieu, P. (2018), **Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste**, Translated by Chavoshian, H., Tehran: Saless_publication.
- Chaboki, O. (2014), "The Relationship between Interaction with Reference Groups and Changes in Political Attitudes of Tehran University Students with Emphasis on Gender Differences", **Women in Development and Politics**, No. 1: 57-74. (*In Persian*)
- Defilippis, J. (2001), "The Myth of Social Capital in Community Development", **Housing Policy Debate**, No. 12: 781-806.
- Fukuyama, F. (2010), Social Capital and Civil Society, In **Social Capital: Trust, Democracy and Development**, Kian Tajbakhsh, Translated by A. Khakbaz, and H., Pouyan, Tehran: Shiraze Publication.
- Giddens, A. (2009), **Global Perspectives**, Translated by: M. R., Jalaeipour, Tehran: Tarheno Publication. (*In Persian*)
- Guimond, S. (1999), "Attitude Change during College: Normative or Informational Social Influence?" **Social Psychology of Education**, No. 2: 237-261.
- Hamidi Heris, R., and Rad, F. (2017), "Study of Relationship between Cultural Capital and Political Participation of Students of Islamic Azad University of Tabriz", **Sociological Review**, No. 35: 65-81. (*In Persian*)
- Hastie, B. (2007), "Higher Education and Sociopolitical Orientation: The Role of Social Influence in the Liberalization of Students:", **European Journal of Psychology of Education**, No. 3: 259-274.
- Jahangiri, J., and Aboutorabi Zarchi, F. (2012), "The Effect of Mass Media Usage on the Components of Students' Political Culture: Study of University of Shiraz", **Research Letter of Political Science**, No. 4: 89-122. (*In Persian*)

- Jahangiri, J., and Boustani, D. (2001), "Study of Factors Affecting Political Culture: Study of People over 20 Years Old in Shiraz", **Journal of Social Sciences and Humanities**, No. 2: 173–191. *(In Persian)*
- Jahangiri, J., and Mohammadi, N. (2018), "Sociological Explanation of the Relationship between Political Hope and Social Indifference: Study of Students of Shiraz University", **Quarterly of Social Studies and Research in Iran**, No. 1: 127–150. *(In Persian)*
- Lazer, D. et al. (2008), Networks and Political Attitudes: Structure, Influence, and Co-evolution, **Faculty Research Working Papers Series**, Harvard Kennedy School.
- McLuhan, M. (1998), **Understanding Media**, Translated by: S. Azari, Tehran: IRIB Research Center Publication. *(In Persian)*
- Mehrdad, H. (1993), "Theory of political culture: A Framework for Analysis", **Communication Research**, No. 3: 58–63. *(In Persian)*
- Mohammadifar, N., Masoudnia, H., and Moradi, G. (2011), "Study of Relationship between Social Capital and Political Culture of Students: Study of University of Esfahan", **Journal of Culture-Communication Studies**, No. 16: 203–234. *(In Persian)*
- Mortazaviyan, A., and Fatahi, S. M. (2011), "Pierre Bourdieu and the Idea of True Democracy: An Introduction to Political Participation in the Interaction of Structure and Action", **Studies of International Relations Journal**, No. 14: 84–144. *(In Persian)*
- Newcomb, T. M. (1943), **Personality and Social Change; Attitude Formation in a Student Community**. Ft Worth, TX, US: Dryden Press.
- Panahi, M. H., and Kourdi, H. (2010), "Political Culture and Its Social Factors: Study of Golestan Province", **Journal of Social Sciences**, No. 51: 1–37. *(In Persian)*
- Putnam, R. D. (2000), **Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community**, New York: Simon and Schuster.
- Rabiei, A. (2001), **Sociology of Value Transformations: A Look at Voter Behavior in 23 May 1997**, Tehran: Culture and Thought Publication. *(In Persian)*
- Rahbar Ghazi, M. R., Emam Jomezadeh, S. J., Nourbakhsh, S., and Khaki, M. (2017), "Cultural Values and Their Effects on Citizens' Economic and Political Attitudes", **Cultural Sociology of Institute for Humanities and Cultural Studies**, No. 1: 47–63. *(In Persian)*
- Rahbar Ghazi, M. R., Gashool, S., Arabiyan, H., and Ashnaie, S. (2016), "The Impact of Social Capital on Participatory Political Culture", **Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies**, No. 4: 101–122. *(In Persian)*
- Rush, M. (1998), **Society and Politics**, Translated by M. Sabori, Tehran: Samt. *(In Persian)*

- Sardarnia, Kh., and Youssefi, B. (2016,) Study of Relationship between Volunteer Associations and Trust with Political Culture of Students: Study of Students of Shiraz University, **Political Knowledge**, No. 1: 5-26. *(In Persian)*
- Serajzadeh, S. H. and Javaheri, F. (2003), **Attitudes and Behaviors of Students**, Report of the Survey of Attitudes, Behaviors and Awareness of Students of Public Universities Covered by the Ministry of Science, Department of Cultural and Social Studies, Ministry of science, Research and Technology. *(In Persian)*
- Serajzadeh, S. H., and Javaheri, F. (2015), **Attitudes and Behaviors of Students**, Report of the Survey of Attitudes, Behaviors and Awareness of Students of Public Universities Covered by the Ministry of Science, Department of Cultural and Social Studies, Ministry of Science, Research and Technology. *(In Persian)*
- Serajzadeh, S. H., and Karimi, A. R. (2020), **Students' Political Attitudes and Its Changes in The Last Decade**, Tehran: Institute of Cultural and Social Studies of Ministry of Science, Research and Technology. *(In Persian)*

